

جایگاه ولایت‌پذیری و ولایت‌مداری در اسلام و عوامل مؤثر بر تحکیم

آن مبتنی بر قرآن کریم و روایات معصومین^(ع)

اسماعیل خارستانی*

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه علامه طباطبائی^(ه)، تهران

فاطمه سیفی**

کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۲۱)

چکیده

ولایت یکی از ارکان اصلی و آموزه‌های اساسی دین مبین اسلام و به تعبیر دقیق‌تر، اصلی‌ترین و اساسی‌ترین آموزه آن است. هدف اصلی این تحقیق، بررسی مؤلفه‌های ولایت‌مداری و عوامل مؤثر بر تحکیم آن بر مبنای آیات قرآن کریم و روایات معصومین^(ع) است. بخش‌های مختلف این تحقیق شامل دلایل اهمیت ولایت‌مداری، مؤلفه‌های ولایت‌مداری، عوامل مؤثر در تحکیم ولایت‌مداری، آثار روحی و معنوی ولایت‌مداری و پیامدهای زیانبار تکذیب و مخالفت با ولایت می‌باشد که در این تحقیق، با استناد به آیات قرآن کریم و روایات معصومین^(ع) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که آموزه‌های اسلامی، زمانی معنای واقعی به خود می‌گیرد که در چارچوب ولایت و در محور و مدار آن تحقق یابد. شرط پذیرش اعمال، ولایت‌مداری است و هر کس که به ولایت نزدیکتر شود و در ولایت‌مداری استوارتر گردد، بهره بیشتری از چشمه‌های معنوی خواهد برد.

واژگان کلیدی: ولایت‌مداری، مؤلفه، تحکیم، آیات قرآن کریم، روایات معصومین^(ع).

* E-mail: kharestani57@yahoo.com (نویسنده مسئول)

** E-mail: f.seyfi2009@yahoo.com

مقدمه

از جمله مباحثی که نیاز به بررسی‌های بسیار و دقیق دارد، توجه کردن به مسئله ولایت است. برخی پنداشته‌اند که ولایت منحصر و محدود به محبت و مودت نسبت به اهل بیت^(ع) است، در صورتی که با استناد به قرآن و روایات معصومین^(ع) معلوم می‌شود که در بحث دیگری هم مطرح می‌باشد. یکی از مهم‌ترین آنها، مسئله رهبری امت اسلام بعد از پیامبر اکرم^(ص) است که به اعتقاد شیعه، به امر خدا و پیامبر^(ص) بر عهده امامان دوازده‌گانه بوده است و پس از ایشان و در زمان غیبت امام عصر^(عج)، بر عهده فقیه عادل، آگاه و جامع شرایط است.

ولایت از جایگاه بلند اعتقادی و محتوای عمیق ارزشی برخوردار است و از ذخایر و گنجینه‌های نهفته درون عالم و آدم حکایت می‌کند که از سرچشمه حقایق باطنی جهان و گنه وجود عالم و مبدا اعلا فیض، یعنی وجود واجب تعالی فیضان کرده، جان و جهان را حیات بخشیده است و بر همه آنچه که هست، از ملک و ملکوت، غیب و شهود، تکوین و تشریح، سیطره پیدا کرده است: ﴿هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ...﴾ در آنجا ثابت شد که ولایت (و قدرت) از آن خداوند بر حق است... ﴿(الکهف / ۴۴)﴾: ﴿...وَتَبَرَّزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾ و آنان در پیشگاه خداوند واحد قهار ظاهر می‌گردند ﴿(ابراهیم / ۴۸)﴾.

علاوه بر آیاتی که محوریت این موضوع را بیان می‌کنند، روایات متعددی وارد شده که اسلام را بر پنج پایه استوار دانسته است و از میان آنها، ولایت را مهم‌ترین رکن برشمرده است؛ از جمله در حدیثی از امام محمد باقر^(ع) چنین نقل شده است: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ: اسلام بر پنج پایه استوار گردیده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت. آنچنان که کسی به ولایت فراخوانده شده، به هیچ چیز دیگری فراخوانده نشده است» (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۸).

قرآن کریم در عین اینکه ولایت را کاملاً از آن خدا و منحصر در او می‌داند (الشوری / ۹)، آن را برای پیامبر اکرم^(ص) و ائمه اطهار^(ع) نیز اثبات کرده است (المائده / ۵۵). هر مسلمانی برای رسیدن به حیات طیبه، نیازمند به ولی و رهبر است. در زمان رسول اکرم^(ص)، الگو و پیشوای مسلمانان، خود

حضرت بوده است و پس از ایشان این منصب به اهل بیت^(ع) و پس از ایشان، به مرجع و رهبر دینی فقیه و جامع الشرائط رسیده است. از این رو، مسئله اصلی تحقیق حاضر این است که مؤلفه‌های مؤثر در ولایت‌مداری کدام است و ولایت‌مداری چه آثار روحی و معنوی به همراه دارد. برای پاسخ به این مسئله، به آیات قرآن کریم و روایات معصومین^(ع) استناد شده است.

۱- معنای لغوی و اصطلاحی ولایت

ولاء، ولایت (به فتح «واو» در ولایت)، به کسر «واو» در «ولی، مولی، اولی» و امثال اینها همه از ماده «ولی» (و، ل، ی) اشتقاق یافته‌اند. این واژه از پُرکاربردترین واژه‌های قرآن کریم است که به صورت‌های مختلفی به کار رفته است (مطهری، ۱۳۹۰: ۶).

«ولایت» واژه‌ای عربی است که از کلمه «ولی» گرفته شده است. در لغت عرب، «ولی» به معنای آمدن چیزی است در پی چیز دیگر، بی‌آنکه فاصله‌ای در میان آن دو باشد که لازمه چنین توالی و ترتبی، قرب و نزدیکی آن دو به یکدیگر است. از این رو، این واژه با هیئت‌های مختلف (به فتح و کسر) در معانی «حُبّ و دوستی»، «نصرت و یاری»، «متابعت و پیروی» و «سرپرستی» استعمال شده که وجه مشترک همه این معانی همان قرب معنوی است. منظور از واژه «ولایت» در بحث امامت، آخرین معنای مذکور، یعنی «سرپرستی» است (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۲۹).

نزدیکی و پیوند قلبی و محبت افراد به هم نوع، ولایت است، و نزدیکی به معنای تصرف در امور دیگری و تدبیر آن، نوعی ولایت است. بندگی و پیوند معنوی با خدا و نیز عشق و علاقه به اولیای الهی موجب ورود به وادی ولایت می‌شود.

۲- نقش و جایگاه ولایت در جامعه اسلامی

در قرآن کریم، «ولایت» حکایت حقیقت آدمی است که استعدادهایش در اثر پیوند با ولایت تامّه الهیه و حقیقیّه ذات ربوبی او، از راه عبادت و بندگی به منصّه ظهور و بروز رسیده است، تا آنجا که به غایت قسوامی منزلت و مقام انسانی، یعنی انسان کامل نائل آمده است. در نتیجه، به مقام‌ها و منصب‌های رفیع الهی، شامل نبوت، رسالت، امامت و مانند آن دست یازیده است، به دلیل اینکه

رسالت هر پیامبری به نبوت وی وابسته بوده است و نبوت به ولایت او مرتبط است، سمت و سوی پیوند انسان کامل به خدای سبحان، ولایت اوست و سمت ارتباط وی به جامعه بشری رسالت اوست و رابط بین این دو، نبوت اوست، چه اینکه تفاوت رسالت‌ها مرهون تفاوت نبوت‌ها و امتیاز نبوت‌ها در پرتو تفاضل ولایت‌ها می‌باشد (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۶۹: ۱۳).

ولایت در زمان رسول خدا^(ص)، با پیامبر و در زمان ائمه، با ائمه^(ع) تحقق یافت و در زمان غیبت امام معصوم^(ع)، با نایبان عام آن حضرت است که از سوی حجت الهی، حجت بر خلق هستند، چنان‌که امام زمان^(عج) می‌فرماید: «أَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ أَحَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ: برای حل مشکلات در حوادث - امور سیاسی، عبادی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی و... - به راویان حدیث و فقهاء مراجعه کنید که آنها در زمان غیبت، خلیفه و حجت من بر شما هستند و من حجت خداوند بر آنها می‌باشم» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸: ۱۰۱).

امام رضا^(ع) در بیان فلسفه رهبری جامعه اسلامی می‌فرماید: «اگر خداوند رهبر امینی را برای سرپرستی و حفظ امانت امامت قرار ندهد، مذهب و دین به تدریج از بین خواهد رفت و سنت پیامبر^(ص) و احکام الهی دستخوش دگرگونی می‌گردد و بدعت‌گذاران چیزهایی بر دین بیفزایند و ملحدان چیزهایی از دین بکاهند و در نتیجه، حقیقت را بر مسلمانان دگرگون سازند» (ابن بابویه قمی، ج ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۵۳).

آیه ۵۹ از سوره نساء می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالأمر [= اوصیای پیامبر] را! ﴿و آیه ۴۴ سوره کهف می‌فرماید: ﴿هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ...﴾ در آنجا ثابت شد که ولایت (و قدرت) از آن خداوند بر حق است... ﴿. این آیات بیانگر آن است که یکی از خصوصیات فرد مسلمان، پذیرفتن ولایت خداوند متعال، رسول اکرم^(ص) و معصومین و کسانی است که در ویژگی‌ها و خصوصیات اعتقادی و علمی و رفتاری در مسیر آن بزرگواران قرار دارند.

قرآن کریم در آیه ۳۵ سوره احزاب، پس از آنکه اوصاف اصلی مردان و زنان مؤمن را برمی‌شمارد، بلافاصله در آیه بعدی سخن از ولایت‌پذیری به میان آورده است: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ...﴾ تأملی در سیاق این دو آیه و ترتیب آن نشان می‌دهد که تحقق اوصاف برجسته ایمانی شرط لازم برای تحقق ولایت‌پذیری در حدّ اعلای آن است (ر.ک؛ ذوعلم، ۱۳۸۰: ۵۰)؛ یعنی افرادی شاخص ولایت‌پذیری را دارند که دارای صفات عالیّه ایمانی باشند که زیر بنای آن معرفت و بصیرت است.

۳- دلایل اهمیّت ولایت‌مداری

۳-۱) تجلی توحید در ولایت است

ولایت در مکتب اسلام از چنان جایگاه والایی برخوردار است که بزرگان و علمای اسلام از آن به عنوان رکن و اساس توحید و دژ مستحکم الهی یاد کرده‌اند. زمانی که حضرت علی بن موسی الرضا^(ع) به اجبار مأمون، از مدینه عازم مرو بودند، در شهر نیشابور که عده زیادی به استقبال آن حضرت آمده بودند، به خواست مردم توقف کوتاهی نمودند و برای هدایت مردم به سمت توحید و احراز غاصبانه بودن حکومت عباسیان و اینکه حکومت و خلافت، فقط حق دوازده امام برحق شیعه است، حدیث مشهوری به نام سلسله الذهب بیان فرمودند. این حدیث از جمله احادیث قدسی است که به قول دانشمندان علوم اسلامی و متخصصین علم حدیث، راویان آن طلایی است و حدیثی محکم‌تر از این حدیث در عالم حدیث وجود ندارد.

امام رضا^(ع) به نقل از پیامبر اسلام^(ص) و ایشان به نقل از جبرئیل و جبرئیل از قول خداوند - عزّ و جلّ - فرموده‌اند: «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي، عِبَادِي فَأَعْبُدُونِي وَلْيَعْلَمَنَّ لَقِيْنِي مِنْكُمْ بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصًا بِهَا أَنَّهُ قَدْ دَخَلَ حِصْنِي، وَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي، قَالُوا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَمَا إِخْلَاصُ الشَّهَادَةِ لِلَّهِ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: طَاعَةُ اللَّهِ وَطَاعَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَوَلَايَةُ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۲۷)؛ یعنی (کلمه طیبّه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» قلعه مستحکم

و دژ استوار من است. هر کس آن را بگوید، در این قلعه و دژ استوار داخل می‌شود و اگر در آن وارد شد، از عذاب روز رستاخیز در امان خواهد بود.

در ادامه این روایت آمده است، وقتی که امام رضا^(ع) می‌خواستند به حرکت خود ادامه دهند، در حالی که سوار بر مرکب بودند، فرمودند: «بَشْرُطِهَا وَ شُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»، یعنی درست است که شعار توحید و کلمه طیبیه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» حصن یا قلعه مستحکم خداست و هر کس آن را به زبان بیاورد و داخل این قلعه شود، از عذاب خدا در امان خواهد بود، از شروط آن اقرار امامت به حضرت رضا^(ع) است.

فرمایش امام هشتم^(ع) در روایت مذکور، نشانه ارتباط ولایت با اصل توحید است، گویی هر دو با هم آمیخته و هماهنگ است و این ویژگی بزرگ جهان بینی اسلامی است که توحید آن حاکمیت و حاکمیت آن، توحید است.

۳-۲) ولایت‌مداری عمل صالح را بالا می‌برد

یکی دیگر از دلایل اهمیت ولایت‌مداری این است که موجب بالا رفتن اعمال صالح می‌شود. امام صادق^(ع) در این خصوص می‌فرماید: «فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ...﴾ (فاطر / ۱۰)، قال: وَلَا يَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (وَ أَهْوَى بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ) فَمَنْ لَمْ يَتَوَكَّلْنَا لَمْ يَرْفَعْ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا: در تفسیر آیه «سخنان پاکیزه به سوی او (خدا) صعود می‌کند و عمل صالح را بالا می‌برد»، فرمودند: ولایت ما اهل بیت مایه عروج عمل است (و سپس به سینه خود اشاره کردند و) فرمودند: کسی که ولایت ما را ندارد، خداوند هیچ عملی را از او بالا نمی‌برد» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۳۵۳).

۳-۳) ولایت‌مداری؛ علت برقراری نظم

به دنبال ولایت‌مداری، نظم در جامعه برقرار خواهد شد. حضرت زهرا^(س) در این باره فرموده‌اند: «فَجَعَلَ اللَّهُ... إِطَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَ إِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفِرْقَةِ: خداوند اطاعت و پیروی از ما اهل بیت را

سبب برقراری نظم اجتماعی در امت اسلامی و امامت و رهبری ما را عامل وحدت و در امان ماندن از تفرقه‌ها قرار داده است» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳: ۱۵۸).

۳-۴) ولایت‌مداری؛ موجب حیات جامعه

امام رضا^(ع) در بیانی، بعد از ذکر بعضی از ادله درباره دلیل وجود ولی امر، می‌فرماید: «... وَ مِنْهَا: أَنَا لَا نَجِدُ فِرْقَةً مِنَ الْفِرْقِ وَلَا مِلَّةً مِنَ الْمِلَلِ عَاشُوا وَ بَقُوا إِلَّا بِقِيَمٍ وَ رَيْسٍ، لَمَّا لَا بُدَّ لَهُمْ مِنْهُ فِي أَمْرِ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا، فَلَمْ يَجْزِ فِي حِكْمَةِ الْحَكِيمِ أَنْ يُتْرَكَ الْخَلْقَ وَ هُوَ يَعْلَمُ إِنَّهُ لَا بُدَّ لَهُمْ إِلَّا بِهِ... ما هیچ گروه یا ملتی را نیافتیم که بتواند به حیات و بقای خود ادامه دهد، مگر با وجود سرپرست، قیّم و رئیسی (که به امور آنان رسیدگی کند)؛ زیرا مردم به ناچار به وجود سرپرستی نیاز دارند که کارهای دنیا و آخرت آنان را تنظیم نماید» (ابن‌بابویه، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۸۳).

گرچه از این حدیث برای ولایت اهل بیت^(ع) استفاده شده، اما هر مخاطب آگاهی متوجه می‌شود که لسان حدیث، کلی است و مطمئناً یکی از آن اقوام، مسلمانان و شیعیان آخرالزمان و در زمان غیبت هستند که بر طبق ادامه همین حدیث، نیاز دارند حکومت و حاکمی داشته باشند که حق مظلوم خود را از ظالم بگیرد و لشکری برای مقابله با دشمنان خارجی ایجاد کند و نیز اموال عمومی و بیت‌المال را بین ایشان تقسیم کند و اجتماعات مذهبی را در میان آنها بر پا نماید و رهبری کند و امر دین و دنیای آنها را در دوران غیبت اصلاح و سرپرستی نماید.

۳-۵) ولایت؛ زیربنای نبوت و امامت

ولایت و به تعبیر رساتر، ولایت باطنی یا قرب معنوی یا ولایت تکوینی، کمال روحی و معنوی اکتسابی است که در پرتو عمل به تعالیم آسمانی اسلام و طی طریق عبودیت و بندگی و نیز پیمودن صراط مستقیم هدایت به دست می‌آید و به بیان علامه طباطبایی^(ع)، ولایت واقعی است که در نتیجه عمل به فرآورده‌های نبوت و نوامیس خدایی در انسان به وجود می‌آید (ر.ک؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۶: ۶۶).

۳-۶ ولایت؛ اساس و شالوده اسلام

در برخی فرمایش‌های ائمه معصومین^(ع)، از ولایت به عنوان اساس و شالوده اسلام یاد شده است. اسلام بر پنج پایه بنا شده است: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ: اسلام بر پنج پایه استوار است: بر پا داشتن نماز، روزه ماه مبارک رمضان، دادن زکات، حج خانه خدا (کعبه)، و ولایت (و قبول امامت) ما خاندان رسالت» (عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۱۴). درباره ترک چهار پایه نخست، (در بعضی از موارد) رخصت داده شده است، ولی در مورد ترک ولایت، هیچ گونه رخصتی داده نشده است؛ یعنی کسی که ثروت ندارد، بر او زکات واجب نیست و کسی که مستطیع نیست، حج بر او واجب نیست و کسی که بیمار است، نشسته نماز بخواند و در ماه رمضان روزه نگیرد، ولی در باب ولایت، خواه انسان صحیح و سالم باشد یا بیمار، ثروتمند باشد یا فقیر، حتماً لازم است به ولایت و امامت امامان معصوم معتقد باشد. در روایت دیگر زراره از امام باقر^(ع) می‌پرسد: «کدام یک از این پنج پایه برتر و مهم‌تر است؟ حضرت می‌فرماید: «الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ، لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهُنَّ وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ: ولایت برتر است، چراکه کلید بقیه است و صاحب ولایت راهنمای مردم به آن چهار رکن دیگر است» (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۸). این فرمایش امام باقر^(ع) جایگاه رفیع ولایت و رهبری معصوم را در نظام سیاسی اسلام نشان می‌دهد که حافظ جوهره دین و احکام خداست.

۴- ویژگی ولایت‌مداران اصیل

مدعیان ولایت‌مدار فراوانند، اما ولایت‌مداران واقعی کم و اندک می‌باشند. امام صادق^(ع) با تبیین علائم هر یک، صفوف ولایت‌مداران اصلی را از غیر آن جدا فرموده است، آنجا که می‌فرماید: «الشَّيْعَةُ ثَلَاثٌ؛ وَ اَوْ فَهَوْ مَنَا وَمُتَرِّزِينَ بِنَا وَنَحْنُ زَيْنٌ لِمَنْ تَرَزَّيْنَا، وَمُسْتَأْكِلٌ بِنَا النَّاسَ وَمَنْ اسْتَأْكَلَ بِنَا إِفْتَقَرَ: شیعه سه گروه هستند: دوستدار عمیق [اهل بیت]. پس او از ماست. [گروهی که] به وسیله ما زینت می‌یابند و ما [نیز] زینت هستیم برای کسی که به وسیله ما زینت یابد. [سوم، گروهی که]

به وسیله ما از مردم می خورد [و ما را وسیله درآمد زندگی خود قرار می دهد] و کسی که به وسیله ما امرار معاش کند، فقیر می شود» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۳۰۱).

شیعه واقعی سراپا تسلیم فرمان امام خویش می باشد و هرگز اهل بیت را رها نخواهد کرد، چنان که آن حضرت در جای دیگر فرمود: «كَذَّبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ مِنْ شِيعَتِنَا وَ هُوَ مَتَمَسِّكٌ بِعُرْوَةِ غَيْرِنَا: دروغ پنداشته آن کس که خود را شیعه ما می داند، ولی به ریسمان (سرپرستی و ولایت) غیر ما (اهل بیت) چنگ می زند» (ابن بابویه، ۱۳۹۱: ۴۵)، چراکه رستگاری و سعادت ابدی جز در سایه پذیرش امامت امامان معصوم^(ع) میسر نیست.

امام صادق^(ع) در روایت دیگری می فرماید: «شیعه ما نیست کسی که به زبان بگوید شیعه هستیم، ولی در عمل با ما مخالفت کند و آثار ما را زیر پا گذارد، لیکن شیعه کسی است که با زبان و دل با ما موافق باشد و آثار ما را پیروی کند و مانند ما رفتار نماید. چنین کسانی شیعه واقعی ما هستند» (عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱: ۱۹۶). طبق این روایات ولایت مداران اصیل کسانی هستند که در قول و فعل، در بیان و رفتار و نیز در زبان و در دل، ولایت پذیر هستند و همواره اطاعت از ایشان را وظیفه خود می دانند.

۵- مؤلفه های ولایت مداری

۵-۱ بصیرت

«بصیرت» در لغت به معنای «علم، عبرت و حجت» آمده است و در فرهنگ قرآنی، به معنای «رؤیت قلبی و باطنی» است (ر.ک؛ قرشی بنایی، ۱۳۸۱: ماده بصر). بصیرت گوهری است که اگر در وجود انسان باشد، او را ارزشمند می کند؛ زیرا انسان بصیر می تواند در وقایع خارجی حق را از باطل جدا کند [این تشبیه در آیه ۱۷ سوره رعد آمده است]. صاحبان بصیرت در قرآن مورد مدح قرار گرفته اند و از آنها به «اهل اعراف» یعنی کسانی که مشرف بر جمیع اهل محشر هستند و هر کسی را در مقام خود مشاهده می کنند، تعبیر شده است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۸: ۱۳۲).

افراد ولایت مدار و ولایت پذیر باید در امر دین و شناخت صفات الهی، آگاهی نسبت به احوال دنیا و آخرت و نیز شناخت کامل نسبت به حجت خدا بصیرت داشته باشند و آرمان آنها رسیدن به

درجهٔ کسانی باشد که خداوند متعال در حدیث قدسی در باب آنها می‌فرماید: «كُنْتُ سَمِعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَ بَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَ لِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَ يَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا إِنْ دَعَانِي أَجَبْتُهُ وَ إِنْ سَأَلَنِي أُعْطِيْتُهُ: مَنْ شَنَوَانِي أَوْ مِي شُومُ كَهْ بَا أَنْ مِي شَنُود، بِنِيَانِي أَوْ مِي شُومُ كَهْ بَا أَنْ مِي بِنْد، زَبَان أَوْ مِي شُومُ كَهْ بَا أَنْ حَرْفُ مِي زَنْد وَ دَسْتُ أَوْ مِي شُومُ كَهْ بَا أَنْ قَدْرْتَمَنْدَانَهْ أَنْجَهْ رَا كَهْ مِي خَوَاهِد، بَهْ دَسْتُ مِي أَوْرِد. اِگَرُ أَوْ مَرَا بَخَوَانِدُ أَوْ رَا اِجَابَتُ مِي كَنْمُ وَ اِگَرُ چِيْزِي بَخَوَاهِدُ بَهْ أَوْ مِي دَهْمُ» (کلینی، ۱۳۸۵ق، ج ۲: ۳۵۲).

اما بی‌بصیرتی، پیروان ولایت را از ولیّ خدا جدا می‌کند، چنان‌که در جنگ جمل افرادی را می‌بینیم که مدعی پذیرش حکومت امام علی^(ع) بودند، اما با همهٔ شناختی که از فضائل و مقام معنوی آن حضرت داشتند، در حقانیت و مشروعیت این جنگ دچار تردید شدند. از این رو، به امیرالمؤمنین^(ع) گفتند: ما را به جایی بفرست که یقین داشته باشیم با کفار می‌جنگیم. امام علی^(ع) نیز آنها را به سرحدات فرستاد (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۸۰). این گروه، ولایت‌گریزانی هستند که در هنگامهٔ کارزار بر اثر بی‌بصیرتی از ولایت جا می‌مانند.

۲-۵) اطاعت

دومین مؤلفهٔ ولایت‌مداری، اطاعت بی‌چون و چرا از ولیّ خداست. اطاعتی مخلصانه و از روی آگاهی و بر اساس حبّ به ولایت، همان‌گونه که خداوند دربارهٔ افرادی که ولایت رسول گرامی اسلام^(ص) را می‌پذیرند، چنین می‌فرماید: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾. به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلاف‌های خود، تو را به داوری طلبند و آنگاه از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند ﴿(النساء/ ۶۵)﴾.

حضرت علی^(ع) افراد ولایت‌مدار را چنین نصیحت می‌فرماید: «به اهل بیت پیامبران نگاه کنید و به آن سو که می‌روند، پی آنها را بگیرید ... اگر ایستاده‌اند، بایستید و اگر برخاسته‌اند، شما نیز برخیزید. به آنان پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان بازپس نمانید که هلاک می‌شوید» (صبحی، ۱۳۹۵ق، خ ۹۷: ۱۴۳).

آنها که ادعا می‌کنند خداوند را دوست دارند و به ولایت و سرپرستی او علاقه دارند، باید از فرستاده او نیز پیروی کنند تا مورد محبت الهی قرار گیرند (آل عمران / ۳۱). البته برای رسیدن به مقام اطاعت باید از قدرت ایمان کمک گرفت و دل را در چشمه‌سار معرفت، از رذائل شستشو داد. در خطبه فدکیه، حضرت فاطمه زهرا^(س) علت جامعه‌شناختی اطاعت‌ناپذیری از ولایت را چنین بیان می‌فرماید: «أَلَا قَدْ أَرَىٰ أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَيَّ الْخَفْضِ: (ای انصار!) به هوش باشید! من می‌بینم شما به سوی تنبلی و تن‌آسایی و عافیت‌طلبی می‌روید. این سخن حضرت زهرا^(س) نشان‌دهنده آن است که ولایت‌مداری تنها در سخن نیست، بلکه در عمل باید آن را نشان داد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۹: ۲۲۹).

۳-۵) محبت

محبت شالوده هر نوع ولایتی است؛ زیرا بدون کشش و علاقه قلبی، هیچ‌گونه پیوند و ارتباط معنوی و روحی برقرار نمی‌شود. از این رو، به تصریح قرآن کریم، مؤمنان راستین بیشترین محبت را به خدا دارند (البقره / ۱۶۵). اما محبت تنها یک علاقه قلبی ضعیف و خالی از اثر نیست، بلکه باید آثار آن در عمل انسان انعکاس یابد. مهم‌ترین آثار محبت عبارتند از: حرکت‌آفرینی و پویایی، اطاعت‌پذیری، لذت‌بخشی انس با محبوب و کسب احساس آرامش، اطمینان و امید به آینده. از میان این آثار، تلازم اطاعت با محبت در ارتباط با بحث ولایت‌مداری قابل تبیین است، چنان‌که آیه ۳۱ سوره آل عمران: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ...﴾، بر تلازم محبت و اطاعت دلالت دارد. این آیه نشان می‌دهد، آنان که پیوسته دم از عشق و محبت پروردگار و اولیای الهی می‌زنند، ولی رفتاری کاملاً مخالف با خواست و اراده خدا و اولیای او دارند، مدعیانی دروغین بیش نیستند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۱۸۷-۱۶۲). اطاعتی که ناشی از محبت است، در اطاعت از فرمان الهی و پرهیز از گناه، نمود پیدا می‌کند.

۴-۵) صبر و استقامت

واژه «صبر» از کلمات پرکاربرد قرآنی و روایی است. این واژه در ۴۵ سوره قرآن، بیش از صد مرتبه وارد شده است (ر.ک؛ قرضاوی، ۱۳۸۶: ۵۷). «صبر» در لغت به معنای «خویشتنداری و

کنترل نفس» است تا از آنچه عقل و شرع اقتضا می‌کند، خارج نشود (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۳۸۸: واژه صبر). از ویژگی‌های افراد ولایت‌مدار آن است که بصیرت آنان با صبر گره خورده است و در سختی‌ها نیز پای ولایت می‌ایستند، چنان‌که قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می‌شوند ﴿(الأحقاف/ ۱۳)﴾.

ولایت‌مدار حقیقی کسی است که در مسیر ولایت با مدد از نیروی بصیرت از بی‌تابی خودداری کرده، با صبر و شکیبایی خود، سختی‌ها، بلاها و زخم زبان‌های اطرافیان را به جان بخرد و با آرامش خود دشمن را ناامید کند. در اینجا نباید از رابطه صبر و بصیرت غافل شد. نمونه بارز صبر، استقامت و ثبات قدم، حضرت زینب^(س) است که در واقعه کربلا با بصیرت کامل، جلوه‌های با شکوهی از صبوری را به نمایش گذارد. روح صبور زینب است که بعد از این همه مصیبت، می‌گوید: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا: من جز زیبایی ندیدم (مجلسی، ۱۴۰۳، ق. ۴، ج ۴۵: ۱۱۶)».

۶- آثار و ثمرات ولایت‌مداری

۶-۱) دستیابی به ایمان حقیقی و راستین

پذیرش ولایت ائمه^(ع) و دل سپردن به آن، تنها راه سعادت بشر بوده است و انکار ولایت موجب انکار نبوت و موجب کفر به خداست، چراکه ولایت‌مداری، ترکیبی از ایمان به محتوای نبوت و ایمان به امامت و ولایت ائمه^(ع) و انجام اعمال شایسته، همراه با خلوص نیت است تا در پرتو آن انسان به قرب خداوندی برسد و تحت ولایت خاص خداوند قرار گیرد. برای اتصال به منبع نور الهی ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...﴾ (النور/ ۳۵) همت گماشت تا به ایمان راستین به خدا دست یافت.

۶-۲) تهذیب نفس

عشق و محبت به اولیای الهی (پیامبر اکرم^(ص) و ائمه اطهار^(ع))، بهترین وسیله و زمینه برای پاکسازی روح از پلیدی‌ها و تهذیب نفس، با الگوگیری از روش محبوب اعلام شده است (ر.ک؛

مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۲۶۳). امام هادی^(ع) در گفتار زیر به این معنا اشاره دارد: «وَمَا حَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طَيْباً لَخَلَقْنَا وَطَهَّرَهُ لِنَفْسِنَا وَتَرْكِيَةِ لَنَا: آنچه خداوند در پرتو ولایت‌مداری شما به ما ارزانی داشت، (موجب) پاکی طینت ما، پاکدامنی ما و برای تزکیه و تهذیب ماست» (قمی، ۱۳۸۹: ۸۹۳).

۳-۶) قبولی اعمال

اعمال آن کسی که حُبِّ ائمه^(ع) در دل دارد، هرچند آن اعمال ناچیز باشد، مورد قبول خداوند متعال قرار می‌گیرد؛ زیرا اعمال خود را مزین به امر ولایت کرده است. ابن عباس می‌گوید به پیامبر اسلام^(ص) عرض کردم: مرا نصیحتی کن. حضرت فرمودند: «عَلَيْكَ بِمَوَدَّةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ عَبْدٍ حَسَنَةً حَتَّى يَسْأَلَهُ عَنْ حُبِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ هُوَ تَعَالَى أَعْلَمُ فَإِنْ جَاءَهُ بِوَلَايَتِهِ قَبْلَ عَمَلِهِ عَلَى مَا كَانَ مِنْهُ وَ إِنْ لَمْ يَأْتِ بِوَلَايَتِهِ لَمْ يَسْأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ ثُمَّ أَمَرَ بِهِ إِلَى النَّارِ: ای ابن عباس! بر تو باد به دوستداری علی^(ع). سوگند به خداوندی که مرا به حق به پیغمبری برگزید، خداوند از بنده‌اش کار نیکی را نمی‌پذیرد، مگر آنکه از او در رابطه با محبت علی^(ع) سؤال کند [و البته خداوند خود داناست]. پس اگر به ولایت علی بوده، عمل او [به هر حال که باشد] پذیرفته می‌گردد وگرنه از او به غیر ولایت سؤال نشده، امر می‌گردد که او را به آتش بیندازید» (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۱: ۳۸۰).

۴-۶) شفاعت ائمه^(ع)

ائمه^(ع) شفیع ارادتمندان خویش در روز قیامت هستند و انسان ولایت‌مدار مورد شفاعت ایشان است، چنان‌که در زیارت جامعه می‌خوانیم: «وَشَفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ... وَ الشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ: شما شفیع عالم باقی (آخرت) هستید... و شفاعت شما پذیرفته شده است» (قمی، ۱۳۸۹: ۸۹۲).

۵-۶ رستگاری

افراد ولایت‌پذیر و ولایت‌مدار رستگارانند. این خطاب مکرر از زبان پیامبر گرامی^(ص) نقل شده است که: «إِنَّ هَذَا وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: روز قیامت، این مرد (علی^(ع)) و شیعیان او رستگاران و اهل نجات هستند» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۲۵۱).

۶-۶ ورود به بهشت

آنها که به حمایت از ولایت برخاستند، در منزلگاه بهشت جای داده خواهند شد، چنان‌که در فرازی از زیارت جامعه کبیره آمده است: «مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ: هر کس که از شما ائمه هدی^(ع) پیروی کند، جایگاه او بهشت خواهد بود» (قمی، ۱۳۸۹: ۸۹۲).

ولایت‌مدار بدون حساب، در بهشت لقاء حضرت احدیت داخل می‌شود، چون بعد از آنکه حق را شناخت، هر چه خیر از دستش می‌آمد، انجام داده است و این وعده الهی است که ﴿... مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ: ... هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد - خواه مرد یا زن - در حالی که مؤمن باشد، آنها وارد بهشت می‌شوند و در آن روزی بی حسابی به آنها داده خواهد شد﴾ (غافر / ۴۰). محبت رسول‌الله و اهل بیت او موجب تقویت و سنگینی اعمال شده، سبب ثقل میزان می‌گردد و به حال انسان فایده می‌بخشد و نهایت اینکه ائمه^(ع) صراط مستقیم هستند (ر.ک؛ کلینی، ۱۳۸۵ق، ج ۱: ۴۱۶) و آن که بر این صراط است، به راحتی از پل صراط خواهد گذشت.

۷- آثار ولایت‌مداری

ولایت‌پذیر و ولایت‌مدار با امام حق محشور می‌شود، چنان‌که فرموده‌اند: «وَاللَّهِ لَوْ أَحْبَبْنَا حَجْرًا حَشْرَةَ اللَّهِ مَعَنَا: به خدا قسم! اگر سنگی ما (اهل بیت) را دوست داشته باشد، با ما محشور خواهد شد» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲: ۲۱۹). خلاصه اینکه آثار ولایت‌مداری در فرمایشی از پیامبر گرامی اسلام^(ص) به شیوایی بیان شده است: «مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حَبَّ الْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ فَلَا يَشْكَنُ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عِشْرِينَ خَصْلَةً عَشْرٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَعَشْرٌ فِي الْآخِرَةِ أَمَّا فِي الدُّنْيَا فَالزُّهْدُ وَالْحِرْصُ عَلَى الْعَمَلِ وَالْوَرَعُ فِي الدِّينِ وَالرَّغْبَةُ فِي الْعِبَادَةِ وَالتَّوْبَةُ قَبْلَ الْمَوْتِ وَالنَّشَاطُ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ وَالْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَالْحِفْظُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالتَّاسِعَةُ بُغْضُ الدُّنْيَا وَالْعَاشِرَةُ السَّخَاءُ وَ أَمَّا فِي الْآخِرَةِ فَلَا يُنْشَرُ لَهُ دِيْوَانٌ وَ لَا يُنْصَبُ لَهُ مِيزَانٌ وَ يُعْطَى كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَ يُكْتَبُ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَ يَبْيَضُّ وَجْهُهُ وَ يُكْسَى مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ وَ يُشَفَّعُ فِي مَائِهِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ وَ يُتَوَجَّعُ مِنْ تَيْجَانِ الْجَنَّةِ وَالْعَاشِرَةُ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَطُوبَى لِمُجِبِّي أَهْلِ بَيْتِي: پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: ولایت‌مداری آدمی را صاحب بیست خصلت می‌کند که ده موردش مربوط به دنیاست و عبارتند از: زهد نسبت به دنیا، حرص در انجام عمل صالح، پارسایی در دین، عبادت همراه با شوق وافر، توبه قبل از مرگ، سحرخیزی و شب‌زنده‌داری، ناامیدی از آنچه در دست مردم است، نگهبانی از حریم دین خدا، بغض نسبت به دنیای مذموم، بخشش و سخاوت. پیامبر اکرم (ص) در ادامه بیان خصلت‌هایی که ولایت‌مداری به دنبال دارد، به ده خصلتی اشاره می‌کنند که مربوط به آثار آخروی ولایت‌مداری است. کتاب چنین شخصی به دست راستش سپرده شده، برائت از آتش جهنم برای او نوشته می‌شود، سفیدرو، در حله‌های بهشتی پوشیده می‌شود، اجازه شفاعت صد تن از خاندان خود را می‌یابد، خداوند به نظر رحمت در او می‌نگرد، تاج بهشتی بر سرش می‌نهند و بدون حساب وارد بهشت می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷: ۷۸).

۸- پیامدهای زیانبار تکذیب و مخالفت با ولایت

به همان اندازه که اعتقاد به ولایت بسیار مهم، تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز است و ولایت‌مداری موجب سعادت و رستگاری انسان ولایت‌پذیر و ولایت‌مدار واقعی می‌شود، انکار ولایت نیز پیامدهای جبران‌ناپذیری دارد و مایه نگون‌بختی، گمراهی و محرومیت ابدی از سعادت و رستگاری خواهد بود. به برخی از پیامدهای تکذیب و مخالفت با ولایت به اختصار اشاره می‌شود.

۸-۱) هلاکت و نابودی

یکی از صدها روایت معتبر، روایت متواتر نزد سنی و شیعه، مشهور به «ثَقَلَيْنِ» است که در آن رسول اکرم (ص) پیوند میان کتاب خدا (قرآن کریم) و میان عترت و اهل بیت خویش را ناگسستنی اعلام فرموده است و تمسک به هر دو را تنها راه نجات و رستگاری بشر دانسته است و تفکیک میان این دو و أخذ به یکی از آنها و ترک دیگری را مایهٔ گمراهی و هلاکت شمرده است (ر.ک؛ ابن حنبل، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۱۴، ۱۷ و ۲۴). امام رضا^(ع) نیز در همین باب می‌فرماید: «امام راهنما در مهلکه‌هاست و هر کس از او جدا شود، هلاک گردد» (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۹۸).

۸-۲) گرفتار شدن به خشم و غضب خداوند

امام هادی^(ع) در زیارت جامعهٔ کبیره می‌فرماید: «فَالرَّأِغِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ وَ الْمَقْصَرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ. مَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ وَ مَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ وَ مَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ وَ مَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ وَ عَلَى مَنْ جَحَدَ وَ لَأَيْتَكُمْ غَضَبُ الرَّحْمَنِ هَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ وَ خَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ وَ ضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ: روی گرداننده از شما، خارج‌شونده از دین حق است و کسی که در حق شما کوتاهی کند (و به ولایت شما ایمان نیاورد)، گمراه و بر باطل است. هر کس با شما مخالفت کند، پس آتش دوزخ جایگاه اوست و هر کس حقانیت شما را مورد انکار قرار دهد، کافر است و هر کس به جنگ و ستیز با شما برخیزد، مشرک است و هر کس که (حکم) شما را گردن نهند و آن را رد کند، در پایین‌ترین درجهٔ آتش فرومی‌غلطد و بر انکارکنندهٔ ولایت شما، خشم و غضب خدای رحمان است. هلاک گردید کسی که با شما دشمنی ورزید و زیانکار است کسی که شما را انکار کرد و گمراه است کسی که از شما جدا گردید» (قمی، ۱۳۸۹: ۸۹۲-۸۹۱).

۸-۳) سرگردانی در دنیا و مردن در حالت کفر و نفاق

یکی از پیامدهای تکذیب و مخالفت با ولایت این است که موجب سرگردانی او در دنیا می‌شود. در روایتی از امام باقر^(ع) آمده است که فرمودند: «كُلُّ مَنْ دَانَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِعِبَادَةٍ يَجْهَدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا إِمَامَ مِنَ اللَّهِ، فَسَعِيَهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ، وَ هُوَ ضَالٌّ مُتَحَيِّرٌ وَاللَّهُ شَانِيٌّ لِأَعْمَالِهِ: هر کس به خداوند صاحب‌عزت تقرّب جوید، با عبادتی که (تمام) تلاش خود را در انجام آن به کار برده است، ولی از

جانب خداوند امامی منصوب شده برای او نباشد، تلاشش پذیرفته نمی‌شود و گمراه و سرگردان خواهد بود و خداوند نیز اعمال او را دشمن می‌دارد» (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۸۳).

امام باقر^(ع) در این باره با تشبیه ظریف و زیبایی فرموده‌اند: «هر کس دینداری خدا کند، با انجام عبادتی که خود را در آن به زحمت افکند، ولی امام و پیشوایی تعیین شده از جانب خدا برای خود انتخاب نکرده باشد، کوشش او پذیرفته نیست و او گمراه و سرگردان است و خداوند برای اعمال او هیچ ثوابی منظور نفرماید. به خدا سوگند! هر که صبح کند از این امت و امامی از طرف خداوند که هم امامت او روشن و عادل باشد، نداشته باشد، چنان است که صبح کرده گمراه و گمشده، و اگر بر این حالت بمیرد، در حال کفر و نفاق مرده است» (همان، ج ۲: ۶۹).

۴-۸) دوری از بهشت

یکی دیگر از پیامدهای مخالفت با ولایت این است که مانع از رسیدن او به بهشت می‌شود. پیامبر گرامی اسلام^(ص) در این باب می‌فرماید: «أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَي بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَي بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِرًا أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَي بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشْمَ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ: آگاه باشید که هر کس بر بغض و دشمنی آل محمد^(ص) بمیرد، روز قیامت در حالی محشور می‌شود که در پیشانی او نوشته شده است: «ناامید از رحمت خداست!». بدانید که هر کس بر دشمنی آل محمد بمیرد، کافر مرده است. آگاه باشید که هر کس بر دشمنی آل محمد بمیرد، هرگز بوی بهشت را نخواهد چشید» (فخر رازی، ۱۴۲۲ق، ج ۲۷: ۱۶۶). پیامدهای زیانبار تکذیب و مخالفت با ولایت بسیارند که ما در اینجا به اختصار برخی از پیامدهای دنیوی و آخروی آن را مورد بررسی قرار دادیم.

۹- عوامل مؤثر در تحکیم ولایت‌مداری بر مبنای قرآن کریم و آموزه‌های اسلامی

۱-۹) زیارت ائمه

یکی از عوامل مؤثر در تحکیم ولایت‌مداری، زیارت قبور ائمه اطهار^(ع) می‌باشد، چراکه رشته امامت و ولایت قطع‌شدنی نیست، در حضور یا غیبت و حیات یا ممات امامان این پشتوانه نیرومند

معنوی از جهات مختلف در تربیت آحاد امت و ساختار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنان نقش غیرقابل انکار دارد. امام رضا^(ع) در این باب می‌فرماید: «قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا^(ع) يَقُولُ إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي غُنْقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصَدِيقًا بِمَا رَغِبُوا فِيهِ كَانَتْ أُمَّتُهُمْ شُفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: هر امامی را بر گردن دوستان و شیعیان او عهد و پیمانی است و تکمیل این عهد و پیمان و نیز حسن انجام وظیفه، رفتن به زیارت قبور آنهاست. پس هر کس با عشق و رغبت به زیارت آنان بیاید و آنچه را که مورد توجه و تمایل آنهاست، تصدیق کرده باشد، امامان آنان در قیامت شفیع آنان خواهند بود» (ابن بابویه، ۱۳۸۴، ج ۱: ۴۶۲).

در حقیقت، زیارت قبور امامان^(ع) به شخص کمک می‌کند تا جایگاه امامت و امام^(ع) را بشناسد و بکوشد تا با شناخت علوم و معارف ایشان، خود را به آنان نزدیک، و نوعی همسانی، یعنی همان تشییع را در خود ایجاد کند و شیعه اهل بیت^(ع) گردد. انسان وقتی به دیدار قبور امامان می‌رود، می‌خواهد از شخصیت و کلام آن صاحب‌قبر آگاه شود و اطلاعاتی را به دست آورد. همین امر، توجه به علوم ایشان را نیز موجب می‌شود. البته این تنها بخشی از فواید زیارت قبور است که مرتبط با احیای امر ولایت امام^(ع) است.

۹-۲ اتمام حج با زیارت امام

آنچه مکمل و پایان‌بخش فریضة حج است، ولایت است، چنان‌که امام باقر^(ع) می‌فرماید: «أَبْدُوا بِمَكَّةَ وَأَخْتِمُوا بِنَا: از مکه آغاز کنید و به ما ختم نمایید» (همان، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۳۳۴). در واقع، ولایت متمم و مکمل حج، بلکه روح و حقیقت آن است.

۹-۳ شناخت قرآن کریم و انس با آن

اطاعت از ولایت، مقدمه و پیش‌زمینه شناخت قرآن کریم می‌باشد. آیاتی که در باب اولوالأمر آمده است، منظور ما را از ولایت به وضوح بیان می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ

وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ... ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [= اوصیای پیامبر] را!... ﴿التَّوْبَةُ / ۵۹﴾.

منظور از اولی‌الأمر (صاحب فرمان) باید کسان خاصی باشند که امام رضا^(ع) آنان را معرفی کرده است و فرموده است: «يَعْنِي الَّذِينَ أَوْرَثَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۹۸). در این آیه، اولی‌الأمر همان کسانی هستند که وارث کتاب و حکمت هستند.

نتیجه‌گیری

اسلام که پایه و اساس خود را بر فطرت پاک انسانی نهاده، در اعتبار و مشروعیت ولایت و رهبری، مسامحه و تردید روا نداشته است. در روایات متعددی وارد شده که ولایت، اساسی‌ترین بنیاد اسلام است. این جایگاه رفیع و والا در تفکر دینی مستلزم این است که هر مسلمان و خصوصاً عالمان دینی نسبت به این مسئله، شناخت بیشتر و عمیق‌تری پیدا کنند. قرآن کریم و روایات ائمه اطهار^(ع) نقش ولایت را به خوبی ترسیم نموده است و کمال و اصل اساسی دین را که توحید می‌باشد، به ولایت منوط کرده‌اند؛ یعنی توحید بدون ولایت نمی‌تواند به عنوان دژ نفوذناپذیر به حساب آید و توحید کامل و واقعی باشد، چون توحید و اسلام وقتی کامل است که رهبری معصوم و ولایت در کنار آن باشد.

ولایت‌مداری در شیعه از جایگاه والایی برخوردار است؛ زیرا مکتب اهل بیت^(ع) نمایانگر اسلام ناب محمدی^(ص) و تنها نماینده واقعی آن است و هر کس به وادی ولایت نزدیکتر و در ولایت‌مداری استوارتر است، از این چشمه‌های معنوی بهره بیشتری خواهد برد. بالاترین و مرتفع‌ترین امر دین و کلید همه امور دینی و مدخل آنها و نیز مایه خرسندی خدای جهان، اطاعت از امام، پس از معرفت اوست. بنابراین، ولایت اهل بیت^(ع) فرع دین نبوده، بلکه جزء اصول دین است.

محبت‌ورزی و اطاعت‌پذیری در برابر ولیّ خدا، از برجسته‌ترین شاخصه‌ها و ویژگی‌های فرد ولایت‌مدار است. البته باید توجه داشت که محبت به ولیّ خدا در پرتو محبت به خدا و فرمانبری از آنها، اطاعت از خداست. در پایان نیز پیشنهاد می‌شود شاخص‌های ولایت‌مداران واقعی در پژوهش

جداگانه‌ای مورد بررسی قرار گیرد تا افراد خود را بر اساس آنها بسنجد و تلاش نمایند خود را به آن شاخص‌ها برسانند.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

- آملی، سیدحیدر. (۱۳۷۸). *نصّ التّصوُّص*. تصحیح هانری کربن و عثمان اسماعیل یحیی. تهران: توس.
- ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد. (۱۴۰۴ق.). *امالی*. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: اسلامیّه.
- _____ . (۱۴۰۳ق.). *خصال*. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ . (۱۳۶۱). *معانی الأخبار*. تحقیق علی‌اکبر غفّاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ . (۱۳۸۴). *علل الشرائع*. چاپ پنجم. ترجمه و تحقیق از سید محمدجواد ذهنی تهرانی. قم: انتشارات مؤمنین.
- _____ . (۱۳۹۱). *صفات الشیعة و فضائل الشیعة*. ترجمه علی‌اکبر میرزایی. قم:

انتشارات علویون.

- ابن حنبل، احمد. (۱۴۱۴ق.). *مسند*. بیروت: دارالفکر.
- اربلی، علی بن موسی. (۱۳۸۱ق.). *کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة*. تبریز: مکتبه بنی‌هاشمی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۶۹). *وحی و رهبری*. تهران: انتشارات الزّهراء.
- حائری، محمد مهدی. (۱۳۸۵ق.). *شجره طوبی*. نجف: مکتبه الحیدریّه.
- ذوعلم، علی. (۱۳۸۰). *تجربه کارآمدی حکومت ولایی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۸۸). *المفردات فی الفاظ قرآن*. ترجمه سید غلامرضا خسروی حسینی. تهران: مرتضوی.
- صبحی، صالح. (۱۳۹۵ق.). *نهج البلاغه*. قم: انتشارات هجرت.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان*. بیروت: مؤسسه‌العلمی للمطبوعات.
- طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۱۴ق.). *الأمالی*. چاپ اول. قم: دار الثقافة.
- عاملی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۰۹ق.). *منیة المرید فی أدب المفید و المستفید*. تحقیق رضا مختاری. قم: مکتب الاعلام الإسلامی.

- عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۱۲ق.). *وسائل الشیعة*. قم: مؤسسه آل البيت.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر نور الثقلین*. تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی. چاپ چهارم. قم: اسماعیلیان.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۲ق.). *التفسیر الکبیر*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قرشی بنایی، سید علی اکبر. (۱۳۸۱). *قاموس قرآن*. قم: دارالکتب الإسلامیة.
- قرضوی، یوسف. (۱۳۸۶). *سیمای صابران در قرآن*. ترجمه محمدعلی لسانی فشارکی. قم: بوستان کتاب.
- قمی، شیخ عباس. (۱۳۸۹). *مفاتیح الجنان*. ترجمه مهدی الهی قمشاهی. قم: دانش.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۸۵). *اصول کافی*. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. چاپ هشتم. تهران: انتشارات اسوه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۷۶). *رهبری در اسلام*. قم: دارالحدیث.
- _____ . (۱۳۸۱). *میزان الحکمة*. ترجمه حمیدرضا شیخی. چاپ سوم. قم: دار الحدیث.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). *مجموعه آثار*. تهران: انتشارات صدرا.
- _____ . (۱۳۹۰). *ولاءها و ولایتها*. تهران: انتشارات صدرا.
- نوری طبرسی، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق.). *مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه آل البيت.

